



واقعیات می‌پردازد؛ ولی مکتب دیدگاهی آرمانی و ایده‌آل دارد، پس نباید انتظار داشت که الگوی اقتصاد اسلامی را یک علم نامید.

۲- تأکید بر تفاوت میان علم و قانون. از ویژگی‌های یک مکتب اقتصادی این است که نظریه‌های اساسی برای حل مشکلات اقتصادی را ارائه می‌دهد؛ ولی قانون به تفصیل و جزء به جزء، روابط انسان‌ها را بیان کرد و روابط مالی بین افراد و حقوق شخصی آنان را بازگو می‌نماید.

۳- کار یک محقق اسلامی همانند کار یک کاشف است. محقق اسلامی چیز جدیدی را اختراع نمی‌کند؛ بلکه جنبه‌های پنهان اسلام را کشف و آشکار می‌کند.

۴- در شناخت و کشف اقتصاد اسلامی باید نگرش سیستمی داشت و اجزاء را در ارتباط با هم دید و نیز از جزئی نگری پرهیز نمود.

۵- علاوه بر شناخت احکام اسلامی، یک محقق باید مفاهیم اسلامی را خوب بشناسد. منظور از مفاهیم اسلامی،

○ علم به تفسیر واقعیات می‌پردازد؛

ولی مکتب دیدگاهی آرمانی و ایده‌آل دارد، پس نباید انتظار داشت که الگوی اقتصاد اسلامی را یک علم نامید.

پیرامون روش

شهید صدر

در

شناخت مکتب

اقتصاد اسلامی

آیت الله محمدعلی تسخیری

نویسنده، مقاله خود را در یک مقدمه و دو فصل تنظیم نموده است. در مقدمه بیان می‌دارد که یکی از خصوصیات بارز شهید صدر، نظریه‌پردازی ایشان است. وی در آثار خود در مورد خدا، انسان، جامعه و حتی تاریخ به نظریه‌سازی دست زده است.

در فصل اول که از ده امر تشکیل گردیده است، نویسنده به معرفی و تبیین چارچوب نظری شهید صدر در ارائه الگوی اقتصاد اسلامی می‌پردازد که به اختصار این امور ده‌گانه مطرح می‌گردد:

۱- تأکید بر تفاوت میان علم و مکتب. علم به تفسیر



○ در شناخت و کشف اقتصاد اسلامی

باید نگرش سیستمی داشت و اجزاء را در ارتباط با هم دید و نیز از جزئی نگری پرهیز نمود.

همان دیدگاه‌های کلی اسلام در مورد جهان، جامعه، قانون‌گذاری و... است.

۶- میان عرصه قانون‌گذاری و اجراء باید تفاوت قائل شد؛ چون اسلام میان این دو را مرزبندی کرده است. اسلام قانون‌گذاری را محدود به خدا می‌داند؛ ولی در اجرا بر اساس مقتضیات زمان باید عمل نمود، به طوری که اجرای احکام به ولی امر مسلمین؛ یعنی پیامبر ﷺ واگذار شده است و در هر زمان باید متناسب با شرایط عمل کرد (منطقة الفراغ).

۷- کار مجتهد و محقق اسلامی در ارائه الگو، بسیار پیچیده است؛ چون استنباط یک الگوی کلی از دو مرحله تشکیل می‌شود:

الف - شناخت احکام و مفاهیم اسلامی؛

ب - استنباط خطوط کلی سیر قواعد اسلامی و استخراج یک الگوی کلی از آنها.

۸- از آن جایی که الگویی که مجتهد ارائه می‌دهد، ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با زندگی مسلمانان و مردم دارد، لذا اهمیت کار مجتهد مشخص می‌شود.

۹- مهم‌ترین اصل اساسی در کار مجتهد این است که وی در انتخاب دیدگاه‌ها، آزادی عمل و اختیار داشته باشد؛ چون در استنباط یک الگوی کلی و چارچوب، گاهی الگوهای متفاوت ارائه می‌گردد که مجتهد باید میان آنان دست به جرح و تعدیل بزند و آنچه که مفیدتر و مطابق با واقع است را از میان دیدگاه‌ها انتخاب نماید.

۱۰- حیطه بحث‌های نظری در امر تحقیق، همیشه باید

از زندگی کنونی مسلمانان جداگانه تصور شود.

مؤلف در فصل دوم به طرح و پاسخ نقدها و اشکالات الگوی شهید صدر از اقتصاد اسلامی می‌پردازد. اما مؤلف اشکالات را وارد ندانسته و به طور کلی اشکالات و نقدها را به دو دسته تقسیم می‌کند:

الف - اشکالاتی که بر بدون ثمره بودن این نظریه‌پردازی‌ها تأکید دارد؛

ب - اشکالاتی که صحت این تحقیقات را مورد نقد قرار می‌دهد. در پاسخ به اشکال اول، مصنف از وسعت استفاده اندیشمندان و نظریه‌پردازان و استقبال آنان از آرا شهید صدر نتیجه می‌گیرد که آثار شهید صدر بدون نتیجه عملی نبوده و مجامع علمی و تخصصی روز به روز به اهمیت این تحقیقات پی می‌برند.

از جهت نظری، مؤلف مقاله به رد اشکال پرداخته و فواید مقالات و تحقیقات را در سه محور ارزیابی می‌کند:

۱- شناخت هر چه صحیح‌تر از نظام اقتصادی اسلام و پرهیز از نگرش و تفسیرهای التقاطی، مثل دیدگاه اسلام سرمایه‌داری، اسلام سوسیالیستی و...؛

۲- استفاده از استنباط خود سبب می‌شود که نظری دوباره به استنباط بیفکنیم و این مساله در نهایت باعث می‌شود که احکام فردی بهتر و دقیق‌تر انجام گیرد؛

۳- نظریات جدید در بوته نقد و بررسی قرار گرفته و در اجرا محک خورده و صحت و سقم آن مشخص خواهد شد. در پاسخ به اشکال دوم، مؤلف مقاله معتقد است که همان گونه که اصولیون در فقدان دلیل اجتهادی به اصول عملیه تمسک می‌جویند، ما هم با توجه به نیاز روزافزون به ارائه الگوی کلی، ضرورت دارد به استنباط و الگوبرداری اقدام کنیم. این یک ضرورت اجتماعی است و حجیت مطالب ارائه شده هم توسط ولی امر تأیید می‌شود که اطاعت از او به نص قرآن کریم واجب است.